

«... و این نشانه آن است که هر جا رسوم و قواعد و دستوری چون دستور مهلك، سحر انگیز و جادویی عهد « دلمن » و « مهرب » حاکم باشد، هنر خفه میشود...»

## مختصر در دوران سنگ تراشیده و مسقر

چنین بنظر میرسد که علت از بین رفتن تمدن شکارچیان حیوانات شمالی تغییر آب و هوا بوده است. بنا بر علی که هنوز هم زیاد روشن نیست در آن زمان بارانهای سیل آسائی شروع پیازیدن کرده و گرمای مرطوبی پادم خفه کننده خود همه جا رافرا گرفته است. کوزه های شمالی که آب و هوای کنونی شمال اروپا هم برای آنها گرم است از آن مناطق مهاجرت کرده اند و دره ها و غارهایی که انسان پیشین در آن میزیست کم کم از سکنه خالی شده و سرزمینهای وسیع رفته رفته از مردمان پوشیده گردیده است. آنچه روشن است از سکنه قسمت اعظم اروپای غربی بسیار کاشه شده و این کاهش جمعیت نه تنها سبب تغییر آب و هوا و عدم رشد انسان بوده است بلکه علت اصلی آن مهاجرت های فراوانی بود که صورت می گرفت. بدین سان تمدن شکارچیان کوزه های شمالی از بین رفت و تمدنی جانشین آن گردید که دارای مقادیری بسیار خشن و مسقر بود. برای اینکه آثار هنری که در خورد کر نام باشد از انسان دوران بعد از تمدن شکارچیان شمالی بدست آید لازم بود هزاران سال دیگر انتظار کشید. از نخستین آثاری که از دوران بعد بدست آمده است محل سکونت و اثاثیه خانه است که بطرز ابتدائی از سنگ سیلیکس Silice ساخته و پیرداخته شده است و آنچه بیشتر در نظر جلوه میکند کوزه های گلی است که خلوطی دنداندار اطراف آنرا زینت میدهد و این خود پیشرفت قابل ملاحظه ای



دلمن

در صنعت بوده است زیرا هنرمند عهد شکارچیان کوزه های شمالی کوزه را نمی ساخت. بین ۴ الی ۳ هزار سال پیش از میلاد مسیح در کناره های دریاچه ها (مخصوصاً در فرانسه و سوئیس) نخستین آثار مسکن و خانه که از لای و چکن و احياناً چوب ساخته شده بدست آمده که لای و لجن اطراف دریاچه ها بستر نرم و مطمئنی برای حفظ آثار این دوران بوده است. در کنار کوزه های گلی تیرهای سنگی



باندازه‌های بسیار متناسب سلاح‌های دیگر، ابزارکار و جز آن یافت گردیده است اما هنر این زمان دارای نمونه واحدی نیست. در این زمان بوده که اسان، مخصوصاً اسان شمالی، مقابر خود را با سنگ‌های حجیم و بر قواره و بصورت عظیمی برپا می‌نموده است که آنرا «دولمن» Dolmen می‌نامند و در کنار آن ستون‌هایی ساخته و پرداخته دست انسانی وجود دارد که بدان «من هیر» Menhir گفته‌اند. آنچه تا این زمان پیدا می‌شود از سنگ تراشیده است و هیچ اثری از فلز درین نیست.

اکنون به مرحله ای از تاریخ بشر می‌رسیم که دو کشف بزرگ که از لحاظ اهمیت هم طرازند آنرا مشخص و ممتاز می‌گرداند و آن عبارت از یافتن رام‌ورسم اهلی کردن حیوانات و رموز کشاورزی و کشت غلات بوده است. آثار این دوره بدانسان

میدهد که اسان دورمای که در کنار دریاچه‌ها خانه می‌ساخت همان اسان من هیر است که «دولمن» ها را بنا می‌کرده است. اینجا ما مجال نداریم بگوئیم چگونه اسان حیوانات را اهلی کرده و یا چگونه پسر افشانی نمود و بعد چگونه پشم بدست آورد و رسیدگی کرد. فقط کافیست بدانیم که اسان قبل از این که موفق بیافتن فلز گردد باین رموز عظیم زندگی می‌برده و از آن استفاده کرده است.

ساختن «دولمن» ها و برافراشتن «من هیر» را اسان پس از شناختن فلز بازادامه میداد. از بیستین فلزهایی که اسان شناخته ملاحظه می‌شود است و پس از چندی فلز را نیز استخراج کرد و توانست که با ذوب این فلزات از فلز مس آلیاژی بدست آورد. همین آلیاژ برای اسان خود یک فلز جدید بود (این نخستین کیمیاگری اسان و نطفه علم شیمی است) و او آنرا مفرغ نامید و همین امر باعث شد که تمدن عهد فلزات خیلی سریع پیشرفت نماید.

اکنون عین آنچه را که از آثار پیشینیان در دوره سنگ دیدیم از فلز باز می‌ریایم و مخصوصاً شمشیرهای این دوره بسیار جلب نظر میکند و آنچه که چشم‌ها را خیره می‌نماید یافتن مقدار زیادی آلات و ابدات و آزاری است که هیچ مورد استعمال عقلانی برای آن نمیتوان تصور نمود و بناچار جز تزئینات و لوازم آرایش چیز دیگر نمی‌باید بوده باشد. در ساختن این اشیاء ظریف فن و مهارت بسیار دقیق بطور رفته که حاکی از ترقی صنعتی فلزی و ادبک اسان آن عهد بهرزه کاری است.

بودن اثر هنری واقعی در این دوره بسیار باعث تعجب و شگفتی باستان‌شناسان شده است. از این عهد جز چند من هیر که اسان این دوره با ذلت و بیچارگی تمام سعی کرده است بر آن نقش خود را بنمایاند چیز دیگری یافت نشده است و عجیب تر آن است که از دوره سنگ هیچ شکل حیوانی بدست نیامده است ولی در مقابل تزئینات خطوط طولی در این زمان بسیار تحول یافته و ستون‌هایی از گل پخته یافت شده که خطوط بسیار ریز و متوازی به آن منقوش است و نشانه‌های از دقت و زحمت هنر مند آن دوره می‌باشد. بر تمام این ستونها که از شمالی‌ترین نقاط اروپا گرفته تا جنوبی‌ترین مرزهای آن سرزمین پراکنده است اثری از زندگی اسان و حیوان منقوش نیست.